

شترق

روزنامه

طرح ساماندهی و انضباطبخشی تردد موتورسواران در بیش از صد نقطه شهر تهران در حال برگزاری است، عکس: امیرعباس قاسمی، میزان



گزارش

در مراسم جایزه امین الضرب

سیدمحمود دعایی از کار آفرینانی گفت که مجبور به جلا‌ی وطن شدند

در مراسم پنجمین دوره جایزه امین‌الضرب که به همت اتاق بازرگانی برگزار می‌شود، این بار نیز جوایزی به افراد کارآفرین و روزنامه‌نگاران فعال عرصه اقتصادی اهدا شد. سیدمحمود دعایی، مدیر روزنامه و مؤسسه اطلاعات، نیز جزء افرادی بود که در این مراسم مورد تقدیر قرار گرفت. او سخنانش را با شکر خداوند آغاز کرد و گفت: «دوستان عزیزي که با وجود انبوه دانشوران و کارآفرینان و دایانان، به سراغ این خدمتکار کوچک آمده‌اند و به رغم کناره‌جُستن من، بر بزگرواری خود اصرار ورزیده‌اند، خرسندم که جایزه امین‌الضرب، به یاد و نام آن مرد بزرگ صنعتگر خلاق میهن‌دوست اینک پنج سال است که به صنعتگران نواندیش و خدمو اهدا می‌شود تا نماد کوچکی از قدرشناسی و حق‌شناسی اتاق بازرگانی ـ به نمایندگی از مردم ـ از کارآفرینان باشد». او در بخش دیگری از سخنانش به افرادی که برای رونق اقتصادی کارآفرینی کرده‌اند، اشاره کرد و گفت: «ای کاش این ایده از ابتدای انقلاب اجرا می‌شد تا بسیاری از کارآفرینان مؤمن و مردم‌دوست، با دلگرمی و پشت‌گرمی به فعالیت و کارآفرینی و رونق کسب‌وکار ادامه می‌دادند؛ کسانی که پس از انقلاب، کشور و انقلاب به ایده‌های خلاقانه‌شان نیاز وافر داشت و امکان‌به اثر چپ‌رویی‌ها و کژاندیشی‌های پاره‌ای، رخصت ادامه کار نیافتند و مجبور به جلا‌ی وطن شدند و شَم کارآفرینی و ذهن خلاق‌شان نصیب بیگانگان شد، چنانچه بیش نرم و جنبش گرمی که امروز پاره‌ای از دلسوزان کشور و انقلاب بر آن داشته تا کارآفرینان را قدر بدانند و بر صدر نشاندن از آغاز می‌بود، اینک چه بسا در نقطه‌ای رفیع‌تر ایستاده بودیم و اوضاع اقتصاد و کسب‌وکار و معیشت مردمان نجیب این سرزمین، در تقویم روزگار به از این بود که هست. خوشبختانه جامعه و بیش از آن، مسئولان دست‌اندرکار کشور به این حد از آگاهی رسیده‌اند که اهمیت کارفرما و کارآفرین اگر از کارگر بیشتر نباشد، کمتر نیست و دیگر نباید و از اول هم نمی‌بایست از دریچه تنگی به این مقوله نگریست.» مدیر مؤسسه اطلاعات با اشاره به جایگاه کارگر در اسلام به آیات و احادیث و رفتار پیامبر (ص) و امامان در این زمینه اشاره کرد و گفت: «اگر کارکردن مهم است و اگر کارگر جایگاه والایی دارد، کارآفرینی باید

سه‌شنبه ۳ اسفند ۱۴۰۰
۲۰ رجب ۱۴۴۲
۲۲ فوریه ۲۰۲۲
سال نوزدهم
شماره ۴۲۲۷
۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸
اذان مغرب ۱۸:۱۱
اذان صبح فردا ۵:۱۹
طلوع آفتاب ۶:۴۲
fardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا

نور نوشت



گزارش

در مراسم جایزه امین الضرب

سیدمحمود دعایی از کار آفرینانی گفت که مجبور به جلا‌ی وطن شدند

باشد که چرخه کار را راه بیندازد. پس درود می‌فرستم به بنیان این مجلس که قدر کارآفرینان را می‌داند و گرامی می‌دارند یاد مرحوم حاج امین‌الضرب را که برپایی این محفل هم از برکات وجود اوست که «اتاق تجارت تهران» را بنیان گذاشت و با اینکه تاجر و «معین‌التجار» و «وکیل‌التجار» باشد؛ بلکه چون زمانه را می‌شناخت، دریافت کار ایران با تجارت و دادوستد تنها پیش نمی‌رود و در کنار رونق تجاری، باید به قول امروزی‌ها، «رونق تولید» را هم در نظر گرفت، و لازمه این کار، یکی داشتن سواد و تخصص است، دیگری تشخیص نیاز و استعداد کشور، و سوم برقراری ارتباطات مناسب داخلی و خارجی. این است که می‌بینیم چندین کار نوآورانه کرد: از قبیل: تأسیس راه‌هن، بنیان صنعت برق، صنعتی‌کردن تولید ابریشم و موارد دیگری که شما بهتر می‌دانید و برای شما از این حرف‌ها زدن، به این می‌ماند که شما مسس به کرمان ما بیآورید!». این روحانی در ادامه به بخش‌هایی از زندگی‌اش اشاره کرد و گفت: «حقیقت این است که من از جانب پدری، واعظم و از جانب مادری، کارگر، مادرم پس از جدایی، کارگر کارخانه ریسندهی کرمان بود و از همان‌جا بازنشسته شد و من با نان دستاورد کارگری او بزرگ شدم و طعم مشقت و رنج را با گوشت و پوستم درک کردم و البته در کنارش، طعم شیرین استغنا و غرور بی‌نیازی و سربلندی را هم چشیدم. این است که اگرچه به اقتضای شش دوره نمایندگی مردم شریف تهران در مجلس و چهار دهه اداره یک نهاد فرهنگی، می‌بایست با مدیران بسیاری در مؤسسه اطلاعات و بیرون از آن سروکار می‌داشتم؛ اما در درون، با خدا را شکر می‌کنم در دوره‌ای که رونق اقتصادی بیشتر بود، مؤسسه اطلاعات توانست به یمن مدیران و همراهی و همدلی کارکنانش، برای صدها نفر از همکاران، خانه‌های آبرومندی بسازد و امیدواریم با

توجه به زبان مادری به محاق نرفته

آن را به زبان نمی‌آورد و ششورای هماهنگی چشمش را بر آن می‌بندد.
۳. تقریباً تمام استان‌های کشور دارای روزنامه یا هفته‌نامه محلی هستند که تمام یا بخشی از آن به زبان محلی به چاپ می‌رسد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکنون از انتشار این روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها حمایت کرده و اعتباراتی را سالانه به آنان اختصاص داده است.
۴. یکی دیگر از فعالیت‌های مؤثر در تقویت زبان‌های محلی در ایران، تولید و انتشار موسیقی محلی و حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسما از آن است. هرساله صدها قطعه موسیقی به زبان‌های محلی تولید می‌شود و هزاران ساعت این موسیقی از شبکه‌های استانی و سراسری پخش می‌شود. نه‌فقط شبکه‌های استانی که مخاطبان محلی دارد؛ بلکه شبکه‌های سراسری به‌ویژه رادیو آوا قطعات موسیقی به زبان‌های محلی ایرانی را که مخاطبان آنها در سراسر ایران گسترده هستند، پخش می‌کند.

۵. دیگر فعالیت‌های هنری به زبان مادری تقریباً در تمام استان‌ها رواج دارد. اجرای نمایش، تولید فیلم‌های مستند و فیلم‌های کوتاه به زبان محلی، برگزاری شب شعر، برگزاری انوع آواگاه‌های هنری به زبان محلی از جمله فعالیت‌هایی است که نه‌فقط در مراکز خصوصی، بلکه در برخی نهادهای حکومتی مانند حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به انجام می‌رسد. برگزاری جشنواره تئاتر یا فیلم و داستان‌نویسی به زبان‌های محلی هم روزه‌روز روند افزایشی داشته است.

۶. تلاش یکپیکر برای حفظ زبان‌های محلی ایرانی با اعتبارات پژوهشی و گردآوری منابع شفاهی این زبان‌ها در چند دهه درخور توجه است. وزارت میراث فرهنگی تاکنون در این زمینه گام‌های بلندی برداشته است و اطلاعات متنوع و غنی‌ای را دربارۀ زبان‌های محلی شناسایی و گردآوری کرده است. مجموعه فعالیت‌های اشاره‌شده ـ جدای از فعالیت‌های حوزه مدنی ـ برآیند حضور عادی و جاری و روزمره زبان‌ها محلی در عرصه عمومی زندگی است که بدون هیچ‌گونه محدودیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در سراسر کشور حتی در محل‌ها و شهرهای غیرمحلی زبان مدنظر رواج داشته است. به‌عنوان مثال، کاربرد کردی و ترکی از سوی

کاربران این زبان در هر نقطه از این کشور بدون هیچ‌گونه محدودیتی در جریان است. علاوه بر اینکه متأسفانه محلی‌سازی نظام استخدامی معلمان و کارمندان موجب شده تا امروز بخش بزرگی از کلاس‌های درس در برخی شهرستان‌ها نه طبق اصل ۱۵ قانون اساسی به زبان فارسی، بلکه به زبان محلی در شهرهایی مثل میروان و مهاباد و تابه و سنندج و تبریز و ارومیه برگزار شود. این عدول مسلم از قانون اساسی از طرف هیچ نهادی دیده نمی‌شود. با توجه به آنچه بیان شد، اشاره به فراموشی و به محاق سپردن اصل ۱۵ قانون اساسی در دهه‌های اخیر، بیانی سیاسی و بهره‌برداري سیاسی از موضوعی فرهنگی و اجتماعی است و در نهایت سخنی نادرست است. در چند دهه گذشته ـ از پیش از پیروزی انقلاب به این سو ـ تلاش‌های جدی و فراوانی از سوی سازمان‌های دولتی در راستای حفظ و تقویت زبان‌های محلی به انجام رسیده است و انسان واقع‌بین در ارزیابی خود از وضعیت زبان‌های مادری و محلی حتماً به این موارد اشاره می‌کند. اصل ۱۵ قانون اساسی در حوزه آموزش تنها اشاره به آموزش ادبیات زبان‌های محلی و فقهی دارد که از یک سو با آموزش زبان لغات بسیاری دارد و از سوی دیگر اکنون فراتر از آن به زبان محلی در بسیاری از مدارس شهرستان‌ها تدریس صورت می‌گیرد.

یادداشت

آن را به زبان نمی‌آورد و ششورای هماهنگی چشمش را بر آن می‌بندد.
۳. تقریباً تمام استان‌های کشور دارای روزنامه یا هفته‌نامه محلی هستند که تمام یا بخشی از آن به زبان محلی به چاپ می‌رسد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکنون از انتشار این روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها حمایت کرده و اعتباراتی را سالانه به آنان اختصاص داده است.
۴. یکی دیگر از فعالیت‌های مؤثر در تقویت زبان‌های محلی در ایران، تولید و انتشار موسیقی محلی و حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسما از آن است. هرساله صدها قطعه موسیقی به زبان‌های محلی تولید می‌شود و هزاران ساعت این موسیقی از شبکه‌های استانی و سراسری پخش می‌شود. نه‌فقط شبکه‌های استانی که مخاطبان محلی دارد؛ بلکه شبکه‌های سراسری به‌ویژه رادیو آوا قطعات موسیقی به زبان‌های محلی ایرانی را که مخاطبان آنها در سراسر ایران گسترده هستند، پخش می‌کند.
۵. دیگر فعالیت‌های هنری به زبان مادری تقریباً در تمام استان‌ها رواج دارد. اجرای نمایش، تولید فیلم‌های مستند و فیلم‌های کوتاه به زبان محلی، برگزاری شب شعر، برگزاری انواع آواگاه‌های هنری به زبان محلی از جمله فعالیت‌هایی است که نه‌فقط در مراکز خصوصی، بلکه در برخی نهادهای حکومتی مانند حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به انجام می‌رسد. برگزاری جشنواره تئاتر یا فیلم و داستان‌نویسی به زبان‌های محلی هم روزه‌روز روند افزایشی داشته است.
۶. تلاش یکپیکر برای حفظ زبان‌های محلی ایرانی با اعتبارات پژوهشی و گردآوری منابع شفاهی این زبان‌ها در چند دهه درخور توجه است. وزارت میراث فرهنگی تاکنون در این زمینه گام‌های بلندی برداشته است و اطلاعات متنوع و غنی‌ای را دربارۀ زبان‌های محلی شناسایی و گردآوری کرده است. مجموعه فعالیت‌های اشاره‌شده ـ جدای از فعالیت‌های حوزه مدنی ـ برآیند حضور عادی و جاری و روزمره زبان‌ها محلی در عرصه عمومی زندگی است که بدون هیچ‌گونه محدودیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در سراسر کشور حتی در محل‌ها و شهرهای غیرمحلی زبان مدنظر رواج داشته است. به‌عنوان مثال، کاربرد کردی و ترکی از سوی کاربران این زبان در هر نقطه از این کشور بدون هیچ‌گونه محدودیتی در جریان است. علاوه بر اینکه متأسفانه محلی‌سازی نظام استخدامی معلمان و کارمندان موجب شده تا امروز بخش بزرگی از کلاس‌های درس در برخی شهرستان‌ها نه طبق اصل ۱۵ قانون اساسی به زبان فارسی، بلکه به زبان محلی در شهرهایی مثل میروان و مهاباد و تابه و سنندج و تبریز و ارومیه برگزار شود. این عدول مسلم از قانون اساسی از طرف هیچ نهادی دیده نمی‌شود. با توجه به آنچه بیان شد، اشاره به فراموشی و به محاق سپردن اصل ۱۵ قانون اساسی در دهه‌های اخیر، بیانی سیاسی و بهره‌برداري سیاسی از موضوعی فرهنگی و اجتماعی است و در نهایت سخنی نادرست است. در چند دهه گذشته ـ از پیش از پیروزی انقلاب به این سو ـ تلاش‌های جدی و فراوانی از سوی سازمان‌های دولتی در راستای حفظ و تقویت زبان‌های محلی به انجام رسیده است و انسان واقع‌بین در ارزیابی خود از وضعیت زبان‌های مادری و محلی حتماً به این موارد اشاره می‌کند. اصل ۱۵ قانون اساسی در حوزه آموزش تنها اشاره به آموزش ادبیات زبان‌های محلی و فقهی دارد که از یک سو با آموزش زبان لغات بسیاری دارد و از سوی دیگر اکنون فراتر از آن به زبان محلی در بسیاری از مدارس شهرستان‌ها تدریس صورت می‌گیرد.

۱. چندین دهه است که صداوسپما شبکه‌های متعددی به زبان‌های محلی راه‌اندازی کرده است. به طوری که درحال‌حاضر تمام استان‌های کشور دارای صداوسیمای محلی هستند و برخی از استان‌ها بیش از یک شبکه رادیویی و تلویزیونی دارند. در این شبکه‌ها که امروزه برد فرا استانی پیدا کرده‌اند، ساعات بسیاری به زبان محلی مطالب متنوعی پخش می‌شود که متأسفانه به لحاظ زبانی نظارت دقیق و مشخصی هم بر آنها نیست و تمام گویش‌های منطقه را شامل نمی‌شود. این برنامه‌ها از پخش زنده تا پخش فیلم و موسیقی را شامل می‌شود. در بسیاری از این شبکه‌ها در طول روز حداقل هشت ساعت به زبان محلی برنامه تصویری و ۱۲ ساعت برنامه رادیویی پخش می‌شود. حتی در برخی از استان‌ها، پخش برنامه کودک نیز به زبان محلی است که مغایر با سیاست‌های اعلامی کشوری است.

۲. با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این چهار دهه، هزاران عنوان کتاب به زبان‌های قومی در ایران به چاپ رسیده است. سرکشی به برخی از کتاب‌فروشی‌های شهر تبریز یا سنندج یا مهاباد نشان می‌دهد که تعداد عناوین چاپ کتاب به زبان ترکی یا کردی چنان است که کتاب‌های فارسی در میان آنها کم می‌شود. بد نیست یادآور شوم که رئیس‌جمهور ترکیه در سال گذشته صدوسی‌امین کتاب کردی چاپ‌شده در ترکیه را به‌عنوان یک افتخار معرفی کرد. درصورتی‌که تعداد عناوین چاپ‌شده در نشر توکلی و احسان به زبان کردی که فراتر از عناوین کتاب‌های کردی کشور ترکیه است، برای هیچ کسی افتخار نمی‌آفریند و هیچ کسی

یک آقازاده دیگر
هرازگاهی اعتراض‌های زیادی به یکی ازفرزندان مسئولان سیاسی و اقتصادی می‌شود. این بار نوبت به دختر یکی از مسئولان رسیده است تا در برابر قضاوت افکار عمومی قرار گیرد. پدر که در مقام مشاور رئیس‌جمهور، پیش‌تر مطبوعات را به دلیل عکس و حجاب تعطیل کرده بود و مادر که در مقام استاد دانشگاه سخت‌گیرانه با حجاب دانشجویانش رفتار کرده بود، رفتارهایی که هنوز بعد از ۳۰ سال آن چنان در ذهن و یاد افراد مانده است که «رضا کیانیان» از آنها به‌عنوان «زخم» یاد می‌کند. اما مانند همیشه، عده‌ای هستند که در مقام دفاع از فرزند برآمدند. اما بیشتر بر این باورند که ادعای استقلال، ادعای گزافی است. اما ماجرای این خانواده ابعاد گسترده‌تری دارد. در یادداشت‌ها و حمایت‌هایی از او، به این نکته

پرنده آبی

اشاره شده که او خود را قاطی این سخنان خانواده نکرده، ادعایی هم نداشت‌ه است و برای رسیدن به موقعیتش مبارزه کرده و جنگیده است. اما ایشان نوشته و عده‌ای هم حمایت کردند که واقعا با پول کار ساده در داروخانه و شرکت می‌توان صاحب برند و تشکیلات شد؟ اگر می‌شد امکانش بود، چرا این همه افراد زحمتکش، سعی و بااستعداد نتوانسته بودند مانند ایشان عمل کنند؟ آیا این همه تفاوت در سطح زندگی وجود داشت؟ از سوی دیگر به نظر می‌رسد چنین مسئولانی چون ناتوان از اداره خانواده و اعمال سیاست‌های فکری و عقیدتی خود به فرزندان‌شان هستند، در عرصه عموم بیشترین فشارها را وارد می‌آورند و به‌خاطر مقام و قدرتی که به آنها داده شده است، برای عقیده‌ای که حتی نمی‌توانند به فرزندشان بقبولانند، به بسیاری دیگر آسیب می‌زنند.

یادبود

به یاد مختار مجید «آتش بر چه کابل»
فرهاد فرامرز . روزنامه‌نگار افغان

● زندگی انسان وقتی با ارزش می‌شود که نفس‌های عمرش را در مسیری صرف کند که شادی‌آور باشد و بداند این مسیری که می‌رود، یک نتیجه دارد، شادی، هنرمند خود صداشدن است. تنها صدای خود نه، صدای مردم شدن. همین صداشدن و دردها و حرف‌های مردم را فریادکردن نیز شادی‌آور است. به قول فرهاد دریا «هنرمند تنها راوی نیست، تنها شاهد رویداد نیست، هنرمند به عمق حادثه می‌رود و از آن چیزی را برمی‌دارد و با ایجاد یک اثر، می‌رود به عمق زندگی یک انسان...». مجید دست‌کم با آهنگ‌های مردمی‌اش، این‌کار را کرد و به عمق زندگی یک نسلی رفت و ماندگار شد.

مختار مجید از این گروه آدم‌ها بود و از میان نقش‌هایی که زندگی برایش داد و راه‌هایی که پیش‌رویش گذاشت، قشنگ‌ترین را انتخاب کرد؛ موسیقی. در دهه ۶۰ که اوان جوانی و شور جالش بود، خوش درخشید و برای نسلی با صدا و آهنگ‌های زیبایی‌ش خاطرات ماندگاری ساخت. بنا بر گفته‌های هارون یوسفی، دوست مجید و از کارمندان سابق رادیو تلویزیون ملی، در نیمه دوم دهه ۶۰ دو گروه موسیقی تحت مدیریت رادیو تلویزیون ملی افغانستان شکل گرفت؛ یکی گروه باران به مدیریت فرهاد دریا و دیگری گروه سمند به مدیریت وحید قاسمی. از کارکرد گروه موسیقی سمند آثار ملموسی که بتواند فعالیت این گروه را نشان دهد، چیزی در دست نیست. اما گروه باران در همان مدت کمی که فعالیت داشتند، آثار فراوانی بر جای گذاشتند. او به همراه هنرمندان دیگر آن زمان مثل فرهاد دریا، اسد بدیع، وحید صابری، جاوید راهی، فرید رستگار، هارون لمحه و دیگران که گروه پرشور موسیقی «باران» را ساختند و برای چندسال در مناسبت‌ها و کنسرت‌ها میهمان خانه‌های مردم بودند، اما این دل‌خوشی‌ها دیری نماند، وضعیت رقت‌بار سیاسی، جنگ و بدبختی شبیه همه مناسبت‌های زندگی انسان‌های آن زمان، این ارزش‌ها را نیز گرفت و «گروه باران» را و خیلی‌های دیگر را به نقاط مختلف دنیا مهاجر ساخت. پیش از گروه باران (هرچند عزیزان دیگری نیز مثل ظاهر هویسدا و...کارهایی کردند)، موسیقی بیشتر در مجالس خصوصی، شب‌نشینی‌ها و برنامه‌های ویژه دولتی و ... بود که دسترسی مردم به آنجا آسان نبود. مختار مجید، متولد کابل است و مکتب و در لیسه غازی (شیرشاه سوری) خوانده بود. به موسیقی در دوران مکتب علاقه‌مند شد و با آهنگ «دینسب خیال روی تو سر زد به خانه‌ام/ روشن نمود کلبه ویرانه‌ی مرا» که در برنامه جوانان تلویزیون ملی اجرا کرد، سفرش در دنیای موسیقی آغاز شد. این آهنگ از ساخته‌های لوبکیر انوشه، دوست مختار مجید بوده است. پس از آن وارد بخش موسیقی رادیو افغانستان شد و چند آهنگی آنجا ضبط کرد. پس از آن به جمع بچه‌های «گروه باران» پیوست. او تا صنف سوم در پول‌تخنیک کابل درس خواند و بعد از آن، به پاکستان و از آنجا به آمریکا مهاجر شد. آوارگی، مهاجرت او را چندین‌بار به زندان برد. نظر به روایت خود مختار که سال قبل در برنامه‌ای با هارون یوسفی صحبت می‌کرد، گفت سه بار زندانی شده است؛ نخستین‌بار پس از ترک کابل در نیمه‌های آخر دهه ۶۰، در کشور پاکستان او را یکی از احزاب جهادی بنابر تردیدی که نسبت به وی داشت، سه ماه زندانی کرد. دور بعد پس از اینکه به شکل غیرقانونی با قاچاق به هند رفته بود و از آنجا دوباره در مرن شد، این‌بار توسط پولیس پاکستان مدت دوینم‌ماه زندانی شد. دفعه سوم پس از آنکه به آمریکا رفت، آنجا نیز به دلیل نداشتن اسناد کافی مهاجرت دو ماه زندان را سپری کرد. در شد و بعدترها برای افغانستانی‌های مقیم آمریکا و اروپا کنسرت‌هایی اجرا کرد. پستانترالوبوم‌هایی زیر نام‌های «همصدا»، «مادر» و «آبی آسمان» ضبط کرد. از مجید حدود ۵۰ آهنگ برج‌مانده است که بیشتر این‌ها آهنگ‌ها را در دهه ۶۰ با گروه باران و به همکاری دوست صمیمی‌اش فرهاد دریا ساخته و ضبط کرده است. سرانجام به تاریخ ۲۹ بهمن ۱۴۰۰ سفر مختار مجیدی در دنیای هنر-موسیقی پایان گرفت و بر اثر بیماری سرطان به عمر ۵۸سالگی در ویرجینیای آمریکا درگذشت.

● **آتش‌پرچه**، در **کابل** به **آدم‌های شوخ و جالاک** می‌گویند. **پس از آنکه در یکی از آهنگ‌هایش** این بیت را خواند: **مرا از عشق و عاشقی مترسان/ من آتش‌پرچه کابل‌میشم**. در **میان دوستان** و **دوستدارانش** به نام **«آتش بر چه کابل»** مشهور شد.

اتفاق



سان: در آستانه اکران فصل نهمی سریال «بیکی بلایندرز» تصویری از توماس شلبی، کاراکتر اصلی این سریال روی دیوار بزرگ ساختمانی در بیرمنگام نقش بست. «بیکی بلایندرز» سریالی است درباره یک خانواده کنگستری و قانون‌شکن در شهر بیرمنگام. کلیبن مورفی نقش توماس شلبی را بازی می‌کند و «بی‌بی‌سی وان» سازنده این سریال سفارش این نقاشی را داده بود.



هالیوود ریپورتز: رابرت پتینسون ستاره فیلم «بتمن» به کارگردانی مت ریوز در گفت‌وگوی جدید خود اعلام کرد که از او خواسته شد تا صدای اصلی اش را برای فیلم «بتمن» تغییر دهد؛ زیرا به نظر آنها صدای او «خیلی ناخوشایند و زنده» بود. پتینسون با حضور در برنامه جیمی کیمبل لایو گفت: اوایل سعی داشتم صدای خشنی داشته باشم؛ ولی نتیجه چندان مطلوب نبود.



بی‌بی‌سی: مرد پاکستانی که به جرم کشتن خواهرش قندیل بلوچ با حکم حبس ابد در زندان بود، پس از شش سال آزاد شده است. محمد وسیم بعد از اینکه اعتراضاتش را پس گرفت و والدینش خواستار آزادی او شدند، تبریته و آزاد شد. او در سال ۲۰۱۶ اعتراف کرد که قندیل بلوچ را به خاطر انتشار ویدئوها و عکس‌های «نامناسب» خفه کرد.



بی‌بی‌سی: سریکانات بولا یک جوان نابینای هندی است که حالا شرکتی به ارزش ۶۰ میلیون دلار را اداره می‌کند. در نوجوانی به سریکانات گفته شده بود تحصیل ریاضیات و علوم در دبیرستان برای او غیرقانونی است؛ زیرا او نابیناست. در نتیجه او از ایالتی در هند شکایت کرد تا به این خواسته جامه عمل بپوشاند.